



## A Comparative Analysis of Structural Literature in Describing 'Ivan Madden' from Buhtori and 'Ivan Tagh Bostan' of Al-arajani Based on Bozeman's Equation

Mohamad Hassan Amraei<sup>1</sup>

1. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Velayat University, iranshahr, Iran. E-mail: m.amraei@Velayat.ac.ir.

---

### Article Info

**Article type:**  
Research Article

**Article history:**

**Received:** 01 January 2021

**Received in revised form:**  
15 April 2021

**Accepted:** 11 May 2021

**Keywords:**

Comparative Stylistics,  
Ivan Tagh-e Bostan,  
Ivane Madaen,  
Buhtori,  
Arjani,  
Buziman Equation.

### ABSTRACT

Buhtori (206-284), Al- Buhtori (206-284), was the Arab poet of the Abbasid era who showed a sudden fascination with aspects of the Sassanid civilization. On his journey from the Levant to Baghdad, he visited 'Iwan Al-Madaen', after its destruction by the Arabs and described that iwan beautifully and showed its burning and inner passion in a poem made up of 56 bits. This poem is the best poem written in Arabic describing the Iwan of Al-Mada'in and the virtue of the Sassanid princes. Nasih al-Din al-Arajani (460-544) is also the best Iranian poet of the Seljuk era in Khuzestan who was very adept at describing ancient places and lessons from the conquests of the ages and the collapse of previous governments. He also, while passing to the "Taq Al Bustan" area in Kermanshah, under similar circumstances, he imitated Siniya al- Buhtori in the poem 65 bit, and described that ancient strand with a look full of reflection and wisdom. The purpose of this article is a comparative study of the literary style in Al- Buhtori and Al-arjani poetry written on the basis of Bozeman's theory, the famous German scholar to reveal how the thought, ideology and style of Persian and Arab poets were describing these two ancient places. The results of the research indicate that Al- Buhtori's style is more literary than Al-Arajani's style. Al-Arajani, in addition to his educational and wise position, has reduced the degree of (نفس) and his literary poetry by using different metaphors in order to show the Al Bustan stone prints in a tangible and close to reality.

---

**Cite this article:** Amraei, M. H. (2022). A Comparative Analysis of Structural Literature in Describing 'Ivan Madden' from Buhtori and 'Ivan Tagh Bostan' of Al-arajani Based on Bozeman's Equation. *Research in Comparative Literature*, 12 (1), 1-20.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: [10.22126/JCCL.2021.6056.2218](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.6056.2218)

---



## تحليل أدبية الأسلوب في وصف «أيوان مدائن» للبحثري و«أيوان طاقبستان» للأرجاني وفقا لمعادلة بوزيمان (دراسة مقارنة)

محمد حسن أمراي<sup>١</sup>

١. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة ولايت، إيرانشهر، إيران. العنوان الإلكتروني: m.amraei@Velayat.ac.ir

معلومات المقال	الملخص
نوع المقال: مقالة محكمة	إن البحثي (٢٠٦-٢٨٤)، هو الشاعر العربي في العصر العباسي الذي قد أظهر انهيارًا مفاجئًا بمظاهر الحضارة الساسانية. إنه، في رحلته من بلاد الشام إلى بغداد، قام بزيارة «أيوان المدائن»، بعد تدميرها من قبل العرب ووصف ذاك الإيوان بشكل جميل وأبدى حرقه وشغفه الداخلي في قصيدة مكونة من ٥٦ بيتا. هذه القصيدة هي أفضل قصيدة مكتوبة بالعربية تصف إيوان المدائن وفضيلة الأمراء الساسانيين. إن ناصح الدين الأرجاني (٤٦٠-٥٤٤) هو أيضًا أفضل شاعر إيراني من العصر السلجوقي في خوزستان الذي كان بارعا جدًا في وصف الأماكن القديمة والعبارة من تغلبات الدهر واتخاذ الحكومات السابقة. إنه كذلك في مروره إلى منطقة «طاقبستان» في كرومانشاه، في ظروف مماثلة، فقد سبّغت البحثي في قصيدة ٦٥ بيتا، ووصف ذلك الطاقب القديم بنظرة مليئة بالتفكير والحكمة. إن الغرض من هذه المقالة هو دراسة مقارنة لأدبية الأسلوب في شعر البحثي والأرجاني التي كُتبت معتمدة على نظرية بوزيمان، العالم الألماني الشهير لتكشف عن كيف كان الفكر والأيدولوجية والأسلوب لدى الشعراء الفرس والعرب في وصف هذين المكانين القديمين. تشير نتائج البحث إلى أن أسلوب البحثي أكثر أدبية من أسلوب الأرجاني؛ إذ إن الأرجاني، بالإضافة إلى موقفه التعليمي والحكيم، لقد قام بتقليل درجة (ن ف ص) وأدبية شعره عبر استخدام تشبيهات مختلفة من أجل إظهار مطبوعات طاقبستان الحجرية بشكل ملموس وقريب من الواقع.
الوصول: ١٤٤٢/٥/١٧	
التنقيح والمراجعة: ١٤٤٢/٩/٢	
القبول: ١٤٤٢/٩/٢٨	
الكلمات الدلالية:	
الأسلوبية المقارنة،	
أيوان طاقبستان،	
أيوان المدائن،	
البحثي،	
الأرجاني،	
معادلة بوزيمان.	

الإحالة: أمراي، محمد حسن (١٤٤٣). تحليل أدبية الأسلوب في وصف «أيوان مدائن» للبحثي و«أيوان طاقبستان» للأرجاني وفقا لمعادلة بوزيمان (دراسة

مقارنة). بحوث في الأدب المقارن، ١٢ (١)، ١-٢٠.



© الكتاب.

DOI: [10.22126/JCCL.2021.6056.2218](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.6056.2218)

النشر: جامعة رازي



## تحلیل مقابله‌ای ادبیت سبک در توصیف «ایوان مدائن» از بحتری و «ایوان طاق‌بستان» از ارجانی بر اساس معادله بوزیمان

محمدحسن امرائی<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران. رایانامه: m.amraei@Velayat.ac.ir

### چکیده

### اطلاعات مقاله

بحتری (۲۰۶-۲۸۴)، شاعر عرب دوره عباسی، شیفتگی شگفت‌انگیزی به مظاهر تمدن ساسانی نشان داده است. وی در سفری که از شام به بغداد داشته، پس از ویرانی «ایوان مدائن» به دست اعراب، از آن دیدن کرده، در ضمن قصیده‌ای ۵۶ بیتی، آن ایوان را به زیبایی به تصویر کشیده و سوز درونی خود را نمایان ساخته است. این قصیده، برترین چکامه‌ای است که در وصف ایوان مدائن و فضیلت شهریاران ساسانی به زبان عربی سروده شده است. ناصح‌الدین ارجانی (۴۶۰-۵۴۴) نیز برترین شاعر عربی سرای ایرانی دوره سلجوقیان در خوزستان است که در توصیف اماکن باستانی و عبرت‌آموزی از حوادث روزگار و زوال حکومت‌های پیشین، سخت چیره‌دست بوده است. او نیز در شرایطی مشابه، در گذری که به منطقه «طاق‌بستان» کرمانشاه داشته، به تقلید از سینه بحتری، در قصیده‌ای ۶۵ بیتی، با نگاهی تأملی و حکمت‌آمیز به توصیف آن طاق باستانی پرداخته است. هدف نوشتار پیش رو بررسی تطبیقی میزان ادبیت سبک در شعر بحتری و ارجانی است که با تکیه بر نظریه بوزیمان، دانشمند معروف آلمانی نوشته شده است تا نشان دهد که اندیشه، ایدئولوژی و سبک شاعران فارس و عرب، در توصیف این دو مکان آرکائیک، چگونه بوده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سبک بحتری از سبک ارجانی ادبیت بیشتری دارد؛ زیرا ارجانی، افزون بر نگرش عبرت‌آموز و حکیمانه، با استعمال تشبیه‌های مختلف، در راستای ملموس و نزدیک به واقع نشان‌دادن سنگ‌نگاره‌های طاق‌بستان، از میزان (ن ف ص) و ادبیت شعر خود کاسته است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۱

### واژه‌های کلیدی:

سبک‌شناسی تطبیقی،  
ایوان طاق‌بستان،  
ایوان مدائن،  
بحتری،  
ارجانی،  
معادله بوزیمان.

**استناد:** امرائی، محمدحسن (۱۴۰۱). تحلیل مقابله‌ای ادبیت سبک در توصیف «ایوان مدائن» از بحتری و «ایوان طاق‌بستان» از ارجانی بر اساس معادله بوزیمان. *کلوژ نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۲ (۱)، ۱-۲۰.



© نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: [10.22126/JCCL.2021.6056.2218](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.6056.2218)

## ۱. پیشگفتار

### ۱-۱. تعریف موضوع

سبک‌شناسی آماری، شاخه‌ای از سبک‌شناسی زبان است که با روش ریاضی و آمار ابزاری، متون ادبی را بررسی می‌کند. سبک‌شناسی آماری پیش‌تر به وسیله آرمسترونج ریچارد بنا نهاده شد (صدقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۸). دانشمند آلمانی، ا. بوزیمان، از جمله کسانی بود که به این روش آماری اعتماد کرد و آن را در متن ادبیات آلمانی به کار برد. این معادله، برای تشخیص سبک علمی از ادبی با تعیین کمیت و نسبت افعال به صفات به کار می‌رود؛ یعنی با شمارش تعداد فعل‌ها و صفت‌ها و به دنبال آن، تقسیم کردن فعل‌ها بر صفت‌های شمارش‌شده، خارج قسمتی به دست می‌آید که این خارج قسمت نشان‌دهنده تعیین سبک یک اثر است؛ یعنی با افزایش نسبت فعل‌ها به صفت‌ها، سبک ادبی و منفعلانه‌تر است و با کاهش آن، سبک علمی و ذهنی‌تر خواهد بود (مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۴).

سعد مصلوح، زبان‌شناس مصری، نظریه سبک‌شناسی آماری را که بوزیمان آن را ابداع کرده بود، بومی‌سازی نمود و از شاخه‌های نقد جدید برشمرد (همان: ۶۵). همو، این معادله را در نثر عربی اجرا کرد؛ اما در شعر عربی اجرا نکرد.

### ۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

هدف از این پژوهش، پردازش تطبیقی سبک در دو قصیده بحتری در وصف طاق کسری و ارّجانی در وصف طاق بستان و بیان کمیت سبک ادبی آن دو قصیده بر مبنای مدل بوزیمان است؛ و دلیل انتخاب این دو شاعر و قصایدشان این است که اولاً: سبک شعر، ادبی است و ما می‌خواهیم به کمیت این سبک در دو قصیده، براساس معادله بوزیمان پردازیم. ثانیاً: هر دو شاعر، در توصیف اماکن آرکائیک ایران باستان و ستایش فضیلت شهریاران ساسانی سخت چیره‌دست بوده‌اند؛ بنابراین شناخت مهم‌ترین شاخص‌هایی که این دو سبک را از همدیگر متمایز نموده، مورد توجه است. از طرفی، ناصح‌الدین ارّجانی در قصیده خود، از سبک بحتری تقلید نموده است؛ بنابراین شناخت نقاط اختلاف و تشابه و مؤلفه‌های تأثیرگذار در ادبیت سبک شعری آنان قابل توجه است.

### ۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- براساس معادله بوزیمان، سبک بحتری و ارّجانی در توصیف دو ایوان چگونه است؟
- آیا براساس معادله بوزیمان، سبک بحتری و ارّجانی در توصیف ایوان‌ها مختلف است؟
- مهم‌ترین شاخصه‌هایی که سبک یکی از این دو شاعر را نسبت به دیگری، ادبی‌تر کرده است، کدام‌اند؟

## ۱-۴. پیشینه پژوهش

در رابطه با پیشینه تحقیق و سبک‌شناسی آماری و چگونگی استفاده از آن برای فهم سبک متون ادبی، تلاش‌های ارزشمندی صورت گرفته، مانند آنچه سعد مصلوح (۱۹۴۳) در کتاب *الأسلوب: دراسة لغویة إحصائیة* آورده است. مصلوح، معادله بوزیمان را برای نثر متن‌های ادبی از نمایش‌نامه‌ها یا رمان‌های نویسندگان متعددی به کار برد؛ افزون بر آن، مطالعات ارزشمند دیگری نیز وجود دارد که به بررسی سبک متون ادبی مبتنی بر معادله بوزیمان پرداخته است. از آن جمله، می‌توان به مقاله «دراسة أسلوبیة لمذائح المتنبي وابن هانی الأندلسی فی ضوء معادلة بوزیمان» از روستایی و صدقی (۱۴۳۷) اشاره کرد که به سبک‌شناسی تطبیقی مداخل متنّبی و ابن هانی براساس معادله بوزیمان اقدام نموده است؛ و مقاله «رئاء الإمام الحسین (ع) فی اشعار الصنوبری والشریف الرضی دراسة أسلوبیة إحصائیة» از صدقی و همکاران (۱۳۹۸) که براساس معادله بوزیمان، به سبک‌شناسی آماری مراثی حسینی در شعر صنوبری و شریف رضی پرداخته است؛ و نیز مقاله «بررسی ادبیت سبک مجموعه شعری «قالت لی السمراء» از نزار قبانی و مجموعه شعری «رستاخیز» از سیمین بهبانی براساس معادله بوزیمان» از ناعمی و ترابی حور (۱۳۹۸) که در آن به بررسی میزان ادبیت سبک نزار قبانی و سیمین بهبانی در مجموعه‌های شعری یادشده پرداخته‌اند و عوامل مؤثر در تفکیک سبک آنان را بررسی نموده‌اند و آثار دیگری که مجال ذکر تک تک آن‌ها نیست. به هر حال تا آنجا که بررسی و تحقیق گردید، در مورد سبک‌شناسی آماری شعر ناصح‌الدّین ارّجانی و بحتری، تاکنون پژوهشی انجام نشده است؛ بنابراین این مطالعه، براساس معادله بوزیمان در سبک‌شناسی آماری، از مطالعات مفید برای خوانندگان تلقی می‌شود.

## ۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

## ۱-۵-۱. سبک و سبک‌شناسی آماری

روش این مطالعه «تحلیلی - آماری و تطبیقی» است که بر مبنای سبک‌شناسی تطبیقی شکل گرفته است. شاکله اساسی پژوهش، به دو بخش قابل تقسیم است (بخش نظری و بخش تطبیقی). بخش نظری پژوهش، به تعریف سبک، سبک‌شناسی، تفاوت‌های سبک ادبی و علمی، معادله بوزیمان و زیرشاخه‌های آن و... می‌پردازد. بخش تطبیقی پژوهش نیز به تطبیق سبک‌شناختی الگوی بوزیمان در متن قصیده عربی «ایوان مدائن» از بحتری (۲۰۶-۲۸۴) و قصیده عربی «شبدیز» از ارّجانی (۴۶۰-۵۴۴) می‌پردازد.

لاروس، سبک<sup>۱</sup> را چنین تعریف می‌کند: «سبک، مجموعه روش‌ها و طریقه‌هایی است که نویسنده به

آن وسیله از کلیه سرمایه‌های یک زبان برای بیان افکار و نیات و ما فی الضمیر خود استفاده می‌کند و آن‌ها را به کار می‌اندازد. انتخاب کلمات و طرز ادای مطالب که اغلب از قوانین دستور زبان سرپیچی می‌کند، «سبک» را تشکیل می‌دهد.» (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۲). آرتور شوپنهاور (۱۷۸۸-۱۸۶۰)، فیلسوف آلمانی، سبک را سیمای فکر انسان می‌داند و آن را راهی مطمئن برای شناخت خلق و خوی انسان می‌شناسد (زرین کوب، ۱۳۵۴: ۶۷۸). فرانسوا ولتر (۱۶۹۴-۱۷۷۸) از نامدارترین فیلسوفان و نویسندگان فرانسوی عصر روشنگری، معتقد است که «سبک عالی، آن قدر لازم است که بی‌وجود آن زیبایی احساسات از میان خواهد رفت.» (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۳). از طرفی، سبک‌شناسی نیز عبارت است از دانش شناسایی شیوه کاربرد زبان در سخن یک فرد، یک گروه یا یک متن یا گروهی از متن‌ها (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۲). پژوهش‌های سبک‌شناسی آماری برای نخستین بار توسط آرمسترونج ریچارد بنا نهاده شد؛ و بعدها توسط یکی از دانشمندان آلمانی به نام بوزیمان در متون زبان آلمانی به کار گرفته شد (صدقی و روستایی، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

سبک‌شناسی آماری به زبان ریاضی و آمار، ادبیت یک اثر و میزان آن را مشخص می‌کند. سعد مصلوح، زبان‌شناس معاصر مصری، سبک‌شناسی آماری را از دقیق‌ترین و عالمانه‌ترین مکاتب نقدی به‌شمار آورده است (مصلوح، ۱۹۹۲: ۱۸). سبک‌شناسی آماری، کمک شایانی به روشمندی و علمی‌شدن پژوهش‌های ادبی کرده است. بخش قابل توجهی از بررسی‌های سبک در چارچوب شیوه‌های آماری، منطق، ریاضی و رایانه‌ای صورت می‌گیرد (ناعمی و ترابی حور، ۱۳۹۸: ۱۲۶). با نظر به اینکه روش آماری در تجزیه و تحلیل موضوعات، نسبت به روش ادبی، روش دقیق‌تر و مطمئن‌تری است؛ در این پژوهش، به بررسی کمی عناصر تعیین سبک و میزان ادبیت آن در قصیده سینه بحتری و قصیده شب‌دیز ارجانی پرداخته شده و بسامد هر یک از عوامل سبک‌ساز و نوع آن‌ها محاسبه گردیده و در جدول و نمودارهایی که در ادامه خواهد آمد، نشان داده شده است.

## ۱-۵-۲. تفاوت سبک علمی و ادبی

احمد شایب در کتاب *الأسلوب* به بیان برخی تفاوت‌های سبک علمی و ادبی پرداخته و معتقد است که سبک ادبی، عاطفی و انفعالی است، در مقابل، سبک علمی غالباً بر مبنای مباحث عقلی و واقعیت‌ها استوار است. بنابراین، سبک علمی، زبان عقل است و سبک ادبی، زبان عاطفه است. غرض از سبک علمی، بیان حقایق عقلی و ذهنی به قصد آموزش و تعلیم است؛ اما غرض از سبک ادبی، ایجاد انگیزش و انفعال درونی در جهت تحریک و تأثیر در مخاطبان است (الشایب، ۱۹۷۶: ۵۹). سبک ادبی با اغراق، تعمیم و

زیبایی و تأثیر گذاری مشخص می‌شود؛ اما سبک علمی با دقت، تعیین و موشکافی مشخص می‌شود. صورت خیال، صنایع بدیعی و کلمات موسیقایی در سبک ادبی، از جمله مهم‌ترین عناصر بروز انفعالات و احساسات عمیق در مخاطب هستند. با این حال، اصطلاحات علمی، اعداد حسابی و خصوصیات هندسی که در روش علمی کاربرد دارد، از مظاهر بروز و ظهور عقل هستند. هر دو سبک از نظر معنایی دارای موسیقی واقعی هستند. از نظر تکرار نیز در سبک علمی، هیچ تکرار و تردیدی وجود ندارد؛ اما در سبک ادبی، یک معنا گرفته می‌شود و به صورت‌های مختلف بیانی ارائه می‌گردد (همان: ۶۰).

### ۱-۵-۳. معادله بوزیمان

از جمله روش‌هایی که برای تشخیص سبک اثر با استفاده از روش کمی و آماری شناخته شده، معادله بوزیمان است که به نام همین دانشمند آلمانی معروف شده است. وی اولین کسی است که این معادله را به نام خود مطرح کرد؛ سپس آن را روی متون ادبیات آلمانی بررسی و در پژوهش‌هایی در سال ۱۹۲۵ میلادی منتشر کردند (مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۴). بوزیمان در معادله خود از دو اصطلاح «تعبیر فعلی» و «تعبیر وصفی» استفاده کرده است که تعبیر فعلی، بر حدوث و وقوع کاری دلالت می‌کند و تعبیر وصفی، شامل کلمات و عبارت‌هایی است که فقط بر ویژگی‌های یک شیء اشاره می‌کند که این ویژگی‌ها می‌تواند کمی یا کیفی باشد (همان: ۶۷). معادله بوزیمان بر مبنای شمارش تعداد افعال و صفات صورت گرفت که از تقسیم افعال بر صفات خارج قسمتی حاصل می‌آید که (ن ف ص) نام دارد. در این معادله، هر چه که نسبت (ن ف ص) بیشتر باشد، سبک ادبی تر خواهد بود و هر گاه این نسبت کاهش یابد، سبک به سوی علمی بودن سوق پیدا می‌کند (همان: ۷۶). محققان به پژوهش‌های سبک‌شناسی آماری اهتمام والایی ورزیدند تا جایی که می‌توان با به کارگیری آن به تشخیص سبک‌های مختلف و تفکیک آن‌ها از یکدیگر، در هر متنی پرداخت.

### ۱-۵-۴. مراحل و روش اجرای معادله بوزیمان در متن

معادله بوزیمان، معادله‌ای است که برای تعیین سبک علمی از سبک ادبی استفاده می‌شود. برای اجرای معادله بوزیمان در یک متن، انجام مراحل زیر ضروری است:

ابتدا تعداد فعل‌ها و صفت‌ها را در اثر مورد مطالعه، بر اساس معیارهای معادله بوزیمان شمارش می‌کنیم. پس از آن، مقادیر به دست آمده از مجموع تمام فعل‌ها بر مجموع صفت‌ها تقسیم می‌کنیم. در این احوال، خارج قسمتی به دست می‌آید که سعد مصلوح در زبان عربی، به اختصار آن را (ن ف ص) یعنی (نسبت بین فعل و صفت) نامیده است که از نام حرف اول کلمات (نسبت - فعل - صفت) یعنی (ن-ف-ص)

گرفته شده است (مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۴). معادله بوزیمان، به شکل زیر است:

مجموع افعال

مجموع صفات ← (ن ف ص)

مجموع اعداد به دست آمده از این نسبت هرچقدر بالاتر باشد، سبک اثر از ادبیت بیشتری برخوردار است و هرچقدر این عدد کمتر باشد، سبک به علمی بودن نزدیک تر است. البته، شمارش فعل‌ها و صفت‌ها در این نظریه، از انضباط خاصی پیروی می‌کند و ما مجاز نیستیم تمام افعال را شمارش کنیم. بلکه فقط افعالی که بر حدث و زمان، با هم دلالت دارند، قابل شمارش بوده و در عملیات ریاضی تعیین سبک قرار می‌گیرند. در همین راستا، افعالی که بر زمان، به تنهایی دلالت دارند و یا بر حدثی بدون دخالت زمان‌های سه گانه دخالت دارند، تحت شمارش قرار نمی‌گیرند. بنابراین، مواردی که بر حدث دلالت ندارند و تنها بر زمان دلالت دارند، قابل شمارش نیستند، مانند:

۱. افعال ناقصه مانند کَانَ و اخوات آن، البته در شرایطی که تام باشند، قابلیت محاسبه را دارند.

۲. افعال مقاربه مانند کَادَ و اخوات آن ...

۳. افعال جامد مانند نَعِمَ - بَشَّ - حَبَّدا و ...

۴. اسم فعل‌ها

افزون بر افعال که از شرایط خاصی پیروی می‌کنند، صفت‌ها نیز تابع ضوابط خاص خود جهت محاسبه و شمارش هستند که به اختصار بدان‌ها پرداخته می‌شود:

۱. تمام صفت‌های مشتق اعم از اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، اسم تفضیل.

۲. صفت‌های جامد مؤول به مشتق؛ مانند مصدری که صفت واقع می‌شود.

۳. اسم موصول بعد از اسم معرفه.

۴. اسم منسوب.

۵. اسم اشاره پس از اسم معرفه.

۶. صفت یا صفت‌های معطوف به صفت دیگر.

نکته قابل تأمل این است که جملات و شبه‌جمله‌هایی که صفت قرار می‌گیرند، جزو شمارش قرار نمی‌گیرند. از طرفی دیگر، اگر صفات مشتق معنای فعلی گرفته و به جای افعال به کار روند و همانند آن‌ها در معمول خود عمل کنند، جزو افعال محاسبه و شمرده می‌شوند (مصلوح، ۱۹۹۲: ۸۰). بوزیمان، در معادله خود، افزون بر شرایط خاص فعل‌ها و صفت‌ها جهت ورود به فرایند بررسی، از عوامل دیگری هم



نام می‌برد که در نتیجه بررسی‌ها اثر گذار بوده و منجر به افزایش یا کاهش نسبت میان افعال و صفات می‌شود. سعد مصلوح، این شاخص‌های تأثیر گذار را به دو نوع شکلی یا ساختاری و محتوایی یا مضمونی تقسیم نموده است که در جدول زیر به اختصار شرح داده شده‌اند:

**جدول (۱) مؤلفه‌های تأثیر گذار در (ن ف ص) (مصلوح، ۱۹۹۲: ۸۳-۷۳؛ آنتوش، ۱۹۶۹: ۴۵-۵۲)**

۱. نسبت فعل به صفت در سخن شفاهی در مقایسه با سخن مکتوب بیشتر است.	
۲. متن‌های دارای لهجه و گویش در مقایسه با متن‌های با زبان فصیح، دارای نسبت بالاتری از فعل هستند.	
۳. نسبت فعل به صفت در شعر بیش‌تر از نثر است. خود شعر و نثر نیز دارای انواع مختلفی است که این نسبت در آن‌ها متفاوت است:	
الف: نسبت فعل به صفت در آثار ادبی بیش از آثار علمی است.	عوامل شکلی و ساختاری
ب: نسبت فعل به صفت در نثر ادبی بیش از نثر روزنامه‌ای است.	
ج: نسبت فعل به صفت در شعر غنائی بیش از شعر موضوعی مانند نمایش‌نامه است.	
۴. نسبت فعل به صفت در نوع ارائه یک اثر ادبی:	
الف: نسبت فعل به صفت در پاراگراف‌های روایی و وصفی، پایین‌تر از پاراگراف‌های مونولوگ (تک‌گویی) است.	
ب: نسبت فعل به صفت در مونولوگ (تک‌گویی) کمتر از گفت‌وگوی دوفره است.	
ج: نسبت در روایت، اگر از زبان یکی از شخصیت‌های داستان باشد، بالاتر از این است که یک وصف مستقیم از زبان خود نویسنده باشد	
۱. عمر: نسبت فعل به صفت در سنین طفولیت و جوانی بالاتر از نسبت آن در سنین میان‌سال و پیری است.	عوامل مضمونی و محتوایی
۲. جنسیت: نسبت فعل بر صفت نزد زنان در مقایسه با مردان بیشتر است، این بدان دلیل است که زنان نسبت به مردان، از عواطف بیشتری برخوردارند.	

**۲. پردازش تحلیلی موضوع**

**۱-۲. قصیده سینیۀ بحتری<sup>(۱)</sup> در وصف ایوان مدائن**

بحتری، شاعر پرآوازه عرب، برای اولین بار در مقام تجلیل و تکریم از ایرانیان و یادآوری مکارم و مفاخر آنان، ایوان کسری را موضوع سخن قرار داده و قصیده شیوا و بی‌نظیر «سینیۀ» را در مورد آن، به مطلع زیر سروده است:

صُنْتُ نَفْسِي عَمَّا يُدَنِّسُ نَفْسِي      وَتَرَفَعْتُ عَنِ جَدَا كَلِّ حَبْسِ

(بحتری، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۲)

(ترجمه: خودم را از آنچه وجودم را آلوده می‌دارد، حفظ کردم و از بخشش هر انسان پست و فرومایه‌ای گذشتم). بحتری، از ایوان مدائن دیدن کرده و سوز دل خود را به صورت قصیده‌ای زیبا بروز داده و در ضمن قصیده ۵۶ بیتی، شکوه و عظمت ایرانیان و تمدن بزرگ ساسانی را توصیف کرده و وصفی بسیار استادانه

از خود به جای نهاده است. زمانی ارزش و زیبایی این قصیده دوچندان می‌شود که التفاتی به سیاست‌های ضد ایرانی خلفای اموی و عباسی داشته باشیم. بحتری، برخلاف مضامین حکمی و تأملی قصیده ناصح‌الدین ارجانی، قصیده خود را تنها برای بیان زیبایی کاخ ساسانیان و عظمت و قدرت سازندگان آن و نعمتی که از سوی آنان نصیب عرب شده، سروده است. این قصیده، در وصف ایوان مدائن در بغداد، از جمله زیباترین قصاید بحتری در مدح ایرانیان است که بسیار فصیح و باشکوه است.

## ۲-۲. قصیده بایئه ارجانی<sup>(۲)</sup> موسوم به «شبدیز»

قصیده بایئه ارجانی موسوم به «شبدیز» قاضی ارجانی، قصیده بایئه‌ای در وصف طاق بستان یا قصر شیرین در شمال شرقی کرمانشاه دارد که تجلی‌بخش دل‌بستگی وی به تاریخ و فرهنگ ایران زمین است. نام این قصیده از اسب خسرو پرویز معروف به «شبدیز» گرفته شده است. این قصیده، وصفی از مجموعه سنگ‌نگاره‌ها و پیکره‌های سنگی برجای‌مانده از دوران ایران باستان است. برخی مورخان اسلامی همچون ابن فقیه، مجموع این پیکره‌ها را «شبدیز» نامیده‌اند؛ چنانکه در دیوان نیز با همین نام از قصیده ارجانی یاد شده است. همو، در سفری به منطقه کرمانشاه، در کنار طاق بستان رحل اقامت می‌افکند و با دیدن عظمت تصاویر، سنگ‌نگاره‌ها و پیکره‌های تراشیده شده، سخت متأثر شده و زبان به پند و اندرز و تاسی از گردش روزگار گشوده، به سرودن این قصیده می‌پردازد. وی ضمن شگفتی از عجایب روزگار، پیکره‌ها و سنگ‌نگاره‌ها را با دقت تمام وصف می‌کند و تأسف می‌خورد. با این تفاوت که شعرش اندوه تنها نیست؛ بلکه به پند و حکمت نیز درآمیخته است.

مسئله مهم در حوزه سبک متون، غالباً بر سر میزان ادبیت سبک و انفعالی بودن یا علمی و ذهنی بودن آن است. بر همین اساس، در این پژوهش، سعی شد دو قصیده مشابه هم، در وصف اماکن آرکائیک ایران باستان<sup>(۳)</sup>، انتخاب شود تا بتوان به نتایج متقن و قابل استنادی در حوزه تعیین سبک و ادبیت قصاید به صورت موردی و گزینشی دست پیدا کرد. در همین راستا، تمام مراحل مختلف اجرا شده از الگوی بوزیمان بر روی قصیده «سینیئه» بحتری، عیناً بر روی قصیده «شبدیز» ارجانی نیز اجرا شده است. مطلوب است که این عملیات با نظر به مراحل مختلف اصول نظری حاکم بر نظریه بوزیمان طراحی شده است. قابل ذکر است که با نظر به طولانی بودن قصاید، از هر قصیده، ۱۰ بیت نخست آن انتخاب و به‌عنوان نمونه، به بوته نقد و تحلیل کمی و ادبی گذارده شده است. در ضمن برای سهولت در روند اجرای معادله، زیر افعال خط کشیده شده؛ اما صفت‌ها در داخل دو کمان آمده است.

نمونه (۱) تحلیل (ن ف ص) در ده بیت نخست قصیده سینیئه بحتری:

- |  |   |
|--|---|
| ۱. <u>صُنْتُ نَفْسِي عَمَّا يُدَبِّسُ نَفْسِي</u>  | وَتَرَفَّقْتُ عَنْ جَدَا كُلِّ جِسِسٍ     |
| ۲. <u>وَمَأْسَكْتُ حِينَ زَعَرَعَنِي الذَّهْرُ</u> | رُ الْيَمَاسَا مِنْهُ لَتَعْسَى وَنَكْسَى |
| ۳. <u>بُلِّغْ مِنْ صُبابَةِ الْعَيْشِ عِنْدِي</u>  | طَفَّقْتَهَا الْأَيَّامُ تَطْفِيفَ بَخْسِ |
| ۴. <u>وَيَعِيدُ مَا بَيْنَ وَارِدِ رَفْعِهِ</u>    | عَلَّيْلِ شُرْبُهُ وَوَارِدِ خَمْسِ       |
| ۵. <u>وَكَأَنَّ الزَّمَانَ أَصْبَحَ حَمَمُو</u>    | لَا هَوَاهُ مَعَ (الأَخْسَى) (الأَخْسَى)  |
| ۶. <u>وَاشْتَرَانِي الْعِرَاقُ حُطَّةً عَنِّي</u>  | بَعْدَ يَبْعَى الشَّامَ نَبْعَةً وَكَسِ   |
| ۷. <u>لَا تَزْنِي مُزَاوَلًا لِاخْتِبَارِي</u>     | بَعْدَ هَذِي الْبَلْوَى فَتَنْكَرَ مَسَى  |
| ۸. <u>وَقَدِيمًا عَهْدَتِي ذَا هَنَاتٍ</u>         | (آبِاتٍ) عَلَى (الذِّيَاتِ) (شُمْسِ)      |
| ۹. <u>وَلَقَدْ رَانِي نُبُوُ ابْنُ عَمِّي</u>      | بَعْدَ لَيْنٍ مِنْ جَانِبِيهِ وَأَنْسِ    |
| ۱۰. <u>وَإِذَا مَا جَفَيْتُ كُنْتُ حَرِيًّا</u>    | أَنْ أَرَى غَيْرَ مُصْبِحٍ حَيْثُ أُمْسَى |

(انوار، ۱۳۸۰: ۵۴)

(ترجمه: ۱. روان خود را از آنچه آن را آلوده می‌کند حفظ کردم و خود را از (قبول) بخشش هر آدم فرومایه و پستی بالاتر یافتم. ۲. زمانی که روزگار به قصد سرنگون کردن و نابودی مرا هدف قرار داد، من خویشتن‌داری کردم و در برابر حوادث روزگار پایدار ماندم. ۳. ته‌مانده‌ای از زندگی برای من مانده است که روزگار کم‌فروشی کرده و همانند کسی که پیمانۀ را ناقص می‌دهد، از مقدار آن کاسته است. ۴. فرق زیادی است میان آنکه هر وقت که بخواهد، با رفاه و آسایش به آشخور درآید و دوباره و یا چندباره آب بنوشد و کسی که هر پنج روز یک‌بار بر آب وارد شود. ۵. گویا زمانه با فرومایگان به نیکی رفتار می‌کند و به نیکان ظلم و ستم روا می‌دارد. ۶. من بعد از اینکه شام را به ارزانی فروختم، در خریدن عراق، ضرر کردم. ۷. مرا در این بلوا و مصیبت آزمایش نکن که ملاقات و برخورد من را بد و ناپسند می‌شماری. ۸. از دیرباز به خلق و خوی بد، ناپسند و چموش و سرکش در پستی‌ها، مرا می‌شناختی. ۹. پسرعموی من پس از نرمی و محبت و گرمی و انس و الفتی که از هر دو جانبش جاری بود به من بی‌محلّی و توهین کرد و مرا ناراحت کرد. ۱۰. هرگاه جفا بینم شایسته است که شب را به صبح نرسانم.)

نمونه (۲) تحلیل (ن ف ص) در ده بیت نخست قصیده شبدیز ارجانی:

- |   |   |
|---|---|
| ۱. <u>رَأَيْنَا (عَجِيْبًا) وَالزَّمَانَ عَجِيْبًا</u>  | رَجَالًا وَلَكِنْ مَا هُنَّ قُلُوبُ         |
| ۲. <u>تَمَائِلٌ فِي صَخْرٍ (نَحِيْتٍ) كَأَنَّهَا</u>    | بُنُو زَمَنِ لَمْ يُلْفِ فِيهِ أَرِيْبُ     |
| ۳. <u>نَزَلْنَا وَفُودًا فِي جِهَاهَا وَلَمْ يَكُنْ</u> | لَنَا مِنْ قِرَاهَا فِي الْوَفُودِ نَصِيْبُ |
| ۴. <u>وَمَنْ يَكُ مُلْقَى رَحْلَهُ عِنْدَ سُوقَةٍ</u>   | لَهُ وَرَقٌ لِّلْسَانَئِلِينَ (رَطِيْبُ)    |
| ۵. <u>فَنَحْنُ لَدَى كِسْرَى أَبْرُوِيَزَ غُدُوَّةً</u> | نُزُولٌ وَلَكِنْ الْفِنَاءُ جَدِيْبُ        |
| ۶. <u>بِظَاهِرِ قَرْمِيْسِينَ وَالرَّكْبُ مُحْدَقٌ</u>  | خَوَالِيْهِ فِيهِمْ جَيْئَةٌ وَذَهَبُ       |

۷. لَدَى مَلِكٍ مِنْ آلِ سَاسَانَ (ماجدی)      (وَقَوِرٍ) عَلَيْهِ التَّاجُ وَهُوَ مَهِيْبٌ  
 ۸. وَقَدْ ظَلَّ بَيْنَ الْمُوْبِذَانِ مَكَانَهُ      وَشِرِيْرِيْنَ لِلْأَبْصَارِ وَهُوَ قَرِيْبٌ  
 ۹. مَكَانَ الْمُنَاجِي مِنْ خَلِيْلِيْهِ وَاقْفَاً      وَإِنْ عَزَّ مِنْهُمْ سَامِعٌ وَمَحِيْبٌ  
 ۱۰. يَرْوُنَكَ مِنْ تَحْتِ الْحَوَادِثِ أَوْجُهًا      بِمَا مِنْ تَصَارِيْفِ الزَّمَانِ (شُحُوْبٌ)

(الأرجاني، ۱۹۷۹: ۳۱)

(ترجمه: ۱. در این سفر شگفتی‌هایی دیدیم و حال آنکه روزگار خود مایه شگفتی است. مردانی دیدم که در قالبی بی‌جان بودند. ۲. مجسمه‌هایی در دل سنگی (کوهی) تراشیده شده، تو گویی که آنان فرزندان روزگارند و انسان عاقل هیچ شکمی در این ندارد. ۳. به صورت هیئت‌هایی در آستانه آن طاق فرود آمدیم؛ اما در میان هیئت‌ها، از پذیرایی او نصیبی نداشتیم (پذیرایی نشدیم). ۴. صبح هنگام نزد پرویز پادشاه ایرانی فرود آمدیم؛ ولی حیات و سخن خانه او صاف و بی‌آب و علف بود. ۵. در حومه شهر کرمانشاهان اقامت گزیدیم، در حالی که سواره‌ها این شهر را دربر گرفته بودند، برخی می‌آمدند و برخی می‌رفتند. (در حال رفت و آمد بودند). ۶. نزد پادشاهی بزرگوار و پرهیت از خاندان ساسانی که تاجی بر سر دارد و ترسناک است. ۷. همواره در میان موبدان نشسته است و شیرین در روبروی اوست در حالی که برای چشم‌ها نزدیک به نظر می‌رسد. ۸. مکانی که پادشاه در میان دو دوست خود ایستاده و با آنان حرف می‌زند اگرچه ندایی از آنان به گوش نمی‌رسد. ۹. این مکان چهره‌هایی را به تو می‌نمایاند که به سبب حوادث روزگار رنگ‌پریده به نظر می‌آیند.)

بر این اساس، در مثال اول، تعداد افعال هجده و تعداد صفت‌ها پنج است و نسبت فعل به صفت در مثال اول، مطابق ادبیات و مبانی نظری که پیش‌تر بیان گردید،  $\frac{3}{6}$  است؛ اما در مثال دوم تعداد فعل‌ها چهارده و تعداد صفت‌ها شش است و نسبت فعل به صفت در این مثال  $\frac{2}{33}$  است. عدد به دست آمده از نسبت کلی فعل به صفت در مثال اول،  $\frac{3}{6}$  برابر را نشان می‌دهد، ولی نسبت کلی فعل به صفت، در مثال دوم، عددی معادل  $\frac{2}{33}$  برابر را نشان می‌دهد که این موضوع نشان‌دهنده آن است که سبک مثال اول در مقایسه با سبک مثال دوم از ادبیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا استفاده از فعل به نسبت صفت در نمونه (۱) عددی حدود سه و نیم برابر را نشان می‌دهد؛ اما در شعر نمونه (۲) این عدد در حدود دو و نیم برابر است. با این حال، نمی‌توان سبک نمونه (۲) را غیر ادبی و علمی برشمرد؛ بلکه سبک نمونه (۲) نیز ادبی است؛ زیرا میزان استفاده از فعل به نسبت صفت، در نمونه (۲) نیز حدود دو برابر و نیم است.

همان‌گونه که گفته شد، (ن ف ص) در فرضیه بوزیمان به عنوان معیار سنجشی برای عاطفی‌بودن یا عقلانیت‌زبانی در متون مورد استفاده قرار می‌گیرد، از این رو، به عنوان معیار و میزانی برای سنجش سبک ادبی مورد استفاده قرار گرفته است. از مهم‌ترین شاخص‌های دیگری که منجر به افزایش یا کاهش (ن ف ص) در معادله بوزیمان می‌شود، می‌توان به دو عامل ساختاری و محتوایی اشاره کرد که این شاخص‌ها،

پیش‌تر در جدول (۱) به اختصار توضیح داده شد.

در ادامه، روند کار بر همین منوال ادامه پیدا می‌کند تا جایی که تمامی افعال و صفت‌های موجود در هر دو قصیده، به همین صورت بررسی و تعداد کمی آن‌ها مشخص گردد. آنچه در جدول‌های زیر آمده، نسبت مجموع افعال به صفات (ن ف ص) در کل قصیده سینه بحتری در وصف ایوان کسری (جدول ۲) و قصیده شب‌دیز ارّجانی در وصف ایوان طاق‌بستان (جدول ۳) است:

جدول (۲) تحلیل کلی نسبت (ن ف ص) در متن قصیده سینه بحتری

ن ف ص	تعداد صفات	تعداد افعال	تعداد ابیات	قصیده
۴/۸۳	۱۸	۸۷	۵۶	قصیده سینه بحتری در وصف ایوان کسری

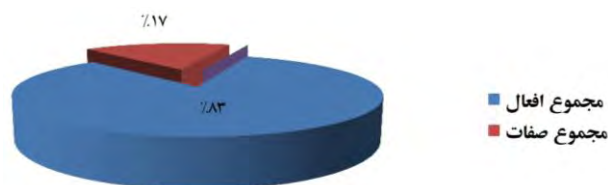
جدول (۳) تحلیل کلی نسبت (ن ف ص) در متن قصیده شب‌دیز ارّجانی<sup>(۴)</sup>

ن ف ص	تعداد صفات	تعداد افعال	تعداد ابیات	قصیده
۴/۱	۲۰	۸۲	۶۵	قصیده شب‌دیز ارّجانی در وصف ایوان طاق‌بستان

عدد کلی به دست آمده از نسبت کلی فعل به صفت در قصیده سینه بحتری،  $4/83$  برابر را نشان می‌دهد، اما نسبت کلی فعل به صفت، در قصیده شب‌دیز ارّجانی عددی معادل  $4/1$  برابر را نشان می‌دهد که این موضوع نشان‌دهنده آن است که میزان استفاده بحتری از افعال، تقریباً پنج برابر استعمال صفت و میزان استعمال افعال در قصیده ارّجانی چیزی در حدود چهار برابر صفت‌ها است.

اعداد به دست آمده، نشان می‌دهد که سبک بحتری در مقایسه با سبک ارّجانی از ادبیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا استفاده فعل به نسبت صفت در شعر بحتری عددی حدود پنج برابر را نشان می‌دهد؛ اما در شعر ارّجانی این عدد در حدود چهار برابر است. با این حال، نمی‌توان سبک ارّجانی را سبکی علمی و غیر ادبی حساب نمود؛ بلکه سبک ارّجانی نیز همانند سبک بحتری ادبی است؛ زیرا میزان استفاده وی نیز از فعل به صفت، حدود چهار برابر بوده است.

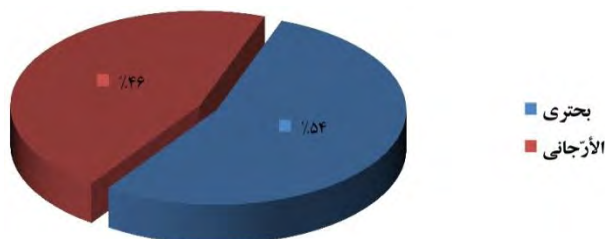
با توجه به اطلاعات ارائه شده از مجموع نسبت فعل به صفت در هر دو قصیده، در قالب جدول‌های ۲ و ۳، برای تبیین بهتر نتایج تحلیل‌های آماری، نسبت کلی فعل به صفت (ن ف ص) در شعر هر دو شاعر و اطلاعات آن در قالب، نمودارهایی نیز ارائه می‌شود:



نمودار (۱) نسبت مجموع افعال به صفات در متن قصیده سینه بحتری



نمودار (۲) نسبت مجموع افعال به صفات در متن قصیده شدیدز ارّجانی



نمودار (۳) (ن ف ص) در متن هر دو قصیده بحتری و ارّجانی

### ۲-۳. تحلیل داده‌های پژوهش

تأملی اندک در جدول و نمودارهای بالا نشان می‌دهد که قصیده سینه بحتری در وصف ایوان کسری ادبی تر از قصیده شدیدز ارّجانی در وصف ایوان طاق بستان است. در مجموع، نسبت افعال به صفات در قصیده بحتری ۴/۸۳ است؛ در حالی که میانگین مجموع افعال به صفات در قصیده ارّجانی ۴/۱ است. همان گونه که ملاحظه می‌گردد، قصیده بحتری از درجه انفعال بالاتری نسبت به قصیده ارّجانی برخوردار است. در حقیقت، می‌توان گفت که سبک هر دو شاعر به سبب بالابودن نسبت (ن ف ص)، در مجموع ادبی و انفعالی هستند؛ ولیکن سبک بحتری در سرودن قصیده سینه ادبی تر است.

می‌توان گفت که قصیده ارّجانی به دلیل اینکه غالباً از صفت‌های بیشتری نسبت به بحتری در متن قصیده استفاده نموده و در بسیاری موارد نیز به جای استفاده از افعال تام، به استفاده از افعال ناقصه و مقاربه و امثال آن روی آورده است، از درجه ادبیت پایین تری نسبت به قصیده بحتری برخوردار است. به عبارتی دیگر، در قصیده ارّجانی، برخی افعال مانند ناقصه، مقاربه و... فاقد معنای فعلی و حدث بوده و فقط عنصر زمان در آن‌ها دخالت دارد، در نتیجه تعداد افعالی که هم بر زمان و هم بر مکان دلالت کنند، در قصیده ارّجانی کمتر از قصیده بحتری است؛ در نتیجه، میزان (ن ف ص) نیز در این قصیده کمتر و درصد ادبیت آن بالطبع از قصیده سینه بحتری پایین تر است.

### ۲-۳-۱. مؤلفه‌های ساختاری و محتوایی تأثیرگذار در (ن ف ص)

#### ۲-۳-۱-۱. ویژگی‌های شکلی و ساختاری در معادله بوزیمان

یکی از مؤلفه‌های شکلی و ساختاری که در نسبت (ن ف ص) تأثیرگذار است، نوع گفتار است. بدین معنا

که کلام منطوق و گفتاری از کلام مکتوب و نگارشی ادبی تر است؛ زیرا در کلام مکتوب برخلاف کلام منطوق که ارتجالاً و فی البداهه ایراد می‌شود، نویسنده فرصت تنقیح کلام و ویرایش ادبی آن را پیدا می‌کند؛ لذا کلام نوشتاری به اسلوب عقلی و ذهنی نزدیک‌تر می‌گردد. قصاید بحتری و ارجانی، هر دو از مقوله کلام گفتاری و منطوق به زبان شعر هستند که هر دو از ادبیت برخوردارند؛ اما مسئله اساسی میزان این ادبیت (ن ف ص) در شعر شاعران یاد شده است که این ادبیت بیشتر در قصیده سینه بحتری ملاحظه گردید.

بحتری، فرصت تنقیح اشعار خود را نیافته است؛ زیرا اشعار او بعد از مرگش توسط ابوبکر صولی و علی بن حمزه اصفهانی گردآوری شده است (انوار، ۱۳۸۳: ۱۱). از طرفی، بحتری شاعری بدوی بوده و برخلاف استادش ابوتام در اشعار خود بر بیشتر طبیعت متکی است تا عقل و تنقیح لفظی شعر. همو، به مباحث عقلی و فلسفی وقعی نهاد و از استادش ابوتام در حوزه فلسفه و صنایع لفظی که نیازمند تفکر و تعمق بیشتر بود، پیروی نکرد (الأمینی، ۱۹۷۷، ج ۲: ۳۳۴). بحتری روحیه‌ای حساس و لطیف داشت که در برابر زیبایی، هر جا که آن را می‌یافت، جلوه گر می‌شد. همچنین دارای تخیلی بود که زندگی بادیه آن را صیقل و جلا داده و زندگی شهری بر او رنگ‌های تند و درخشان زده بود. او از حیث احساس و شعور و از جهت اسلوب و الفاظ و ترکیبات از شاعران برتر عرب است و همین نوع کلام طبیعت‌گرای او سبب ادبیت بیشتر شعر او گردیده است.

عواطف و احساسات در معادله بوزیمان نقش به‌سزایی دارند و سبب بالارفتن (ن ف ص) در این معادله می‌گردند. احساساتی مانند خوشحالی، خشم، اندوه، شادی، عشق و... از جمله عناصر تأثیرگذار در ادبیت کردن متن هستند. بحتری قصیده سینه را در شرایط روی بغرنجی شروع به سرودن کرد. همو، در ابتدای قصیده، خود را چون مبارزی سرسخت معرفی می‌کند که در برابر روزگار کم‌فروش با او می‌جنگد و با او دست و پنجه نرم می‌کند و در ادامه به یاد می‌آورد که بین او و پسرعمویش اختلافی پیش می‌آید و او از پسرعمویش جفا می‌بیند و عزم سفر می‌کند و مرکب خود را به سوی کاخ ایض مدائن می‌راند تا اندکی از اندوه زندگی‌اش بکاهد؛ اما از سوی دیگر چون به مدائن می‌رسد و مرکز حکومت عظیم ساسانیان را ویران می‌یابد به یاد عظمت بربادرفته آنان می‌افتد و غمگین می‌شود. این اندوه و ناراحتی سبب بالارفتن (ن ف ص) و در نتیجه ادبی‌تر شدن سبک وی نسبت به ارجانی گردیده است؛ زیرا ارجانی غالباً نگاهی تأملی، آموزنده و حکمت‌آمیز به توصیف طاق‌بستان داشته است:

۲. وَلَا بُدَّ يَوْمًا مِّنْ فَنَاءٍ مُّقَدَّرٍ سَنُدْعِي إِلَيْهِ دَعْوَةً فَنُجِيبُ

(الأرجاني، ۱۹۷۹: ۳۱)

(ترجمه: ۱. روزگار باقی می ماند و انسان ها نابود می شوند و قبیله ها و ملت ها یکی پس از دیگری از بین می روند. ۲. و به ناچار روزی به این فناء محتوم تن می دهیم و به سوی او (خداوند متعال) فراخوانده می شویم، پس دعوتش را اجابت می کنیم)

الأرجانی، ضمن تحسّر از نابودی پادشاهان ساسانی، غالباً به قصد اعتبار و عبرت آموزی، مخاطب خویش را به فرجام تصاویر خاموش طاق بستان فرامی خواند. هر چند در مواردی نیز بر شکوه و عظمت بربادرفته شاهان ساسانی غبطه می خورد؛ و از اینکه حوادث روزگار جمع آنان را پس از عمری طولانی و عزتمند پراکنده ساخته، بسیار متأسف است:

۱. وَعَاشُوا طُوبِيلاً ثُمَّ قَرَّقُوا  
 ۲. مُلُوكٌ أَقَامُوا مَا أَقَامُوا أَعَزَّةً  
 ۱. سَمَلَهُمْ زَمَانٌ أَكُولٌ لِّلْأَنَامِ شَرُوبٌ  
 ۲. وَقَدْ شَعَبَتْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ شَعُوبٌ

(همان: ۳۱)

(ترجمه: ۱. و مدت زیادی زندگی کردند سپس روزگار جمع آنان را متفرق ساخت روزگاری که خورنده و نوشنده انسان هاست (از بین برنده و هلاک کننده انسان هاست). ۲. پادشاهانی که در طول مدت زندگی خود، با عزت زندگی کردند و مرگ بعد از آن ها را پراکنده و نابود کرد.)

به هر حال، این اندوه و افسوس ارّجانی برای ایرانیان همیشگی نیست و او در مواردی دین و آیین زردشتی ایرانیان باستان را به باد انتقاد می گیرد:

۱. أُحِبُّكَ يَا كِسْرَى لَعْدَلِكْ  
 ۲. وَمَعْبُودِكُمْ نَارٌ وَمُورِدِكُمْ غَدَاً  
 ۱. وَحَدَهُ وَدَيْئِكَ مَشْنُوءٌ إِلَى مَعِيْبُ  
 ۲. فَسَوْفَ تَرَى الْعُبَادَ كَيْفَ تُئِيْبُ

(همان: ۳۱)

(ترجمه: ۱. ای خسرو تنها به خاطر عدالت دوست دارم و دین تو از نظر من بد و معیوب است. ۲. معبود و خدای شما آتش است و فردای قیامت به آن آتش وارد می شوید. پس خواهید دید که بندگان چگونه توبه می کنند.)

به هر حال، برخلاف نگاه تأملی ارّجانی در قصیده شبدیز که از نسبت (ن ف ص) در آن کاسته است، بحتری، نگاه عاطفی و احساسات بشردوستانه قوی تری نسبت به ایرانیان باستان ابراز داشته و از عمق جان و از سوز دل به توصیف شکوه و عظمت ایرانیان پیش از اسلام و زیبایی کاخ های آنان پرداخته است و غالباً قصد عبرت آموزی نداشته است؛ بلکه عظمت دولت ساسانی و جود و کرم ایرانیان در حق اعراب را توصیف کرده است؛ و همین موضوع هم از اسباب بالارفتن میزان (ن ف ص) در متن شعر اوست که شعر او را به مراتب ادبی تر از شعر ارّجانی ساخته است.



از طرفی دیگر، وقتی هردو قصیده بحتری و ارّجانی را می‌خوانیم، می‌بینیم که اشعار آنان در واقع شامل انواع صور خیال، از جمله تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز و سایر هنرهای بیانی است. در همین راستا، اعتماد بر تصاویر بیانی و محسنات بدیعی، از جمله ویژگی‌های سبک ادبی است که در شعر بحتری نمود بیشتری یافته است؛ زیرا ارّجانی با وجود استعمال صور خیال، غالباً بر واقعیات و امور انتزاعی تکیه دارد. اگر تأملی اندک به قصاید دو شاعر بیفکنیم، درمی‌یابیم که آن‌ها از هنرهای بلاغی و بیانی سود فراوانی برده‌اند. در حقیقت، تصاویر بیانی و بدیعی شعر آن دو را زیباتر و قدرتمندتر ساخته است و این از ویژگی‌های سبک ادبی است که سبب انفعال بیشتر سبک گشته و خواننده آن را به راحتی در هر بیت از قصیده درمی‌یابد. با تأملی در شعر بحتری می‌توان فهمید که وی چه استادانه از عهده و صف این کاخ عظیم برآمده است، قوه خیال او کاملاً صحنه‌ها و تصویرها را برای خواننده مجسم می‌سازد.

او در این قصیده هم شاعر است و هم نقاش؛ نقاشی که هرچه تمام‌تر با قلم موی احساس و تخیل، این زیبایی را توصیف می‌نماید. الارّجانی، نیز همچو بحتری از عهده و صف طاق بستان برآمده است و در فراخوانی شخصیت‌های دوره ساسانی و توصیف سنگ‌نگاره‌های ایوان طاق بستان، از مهم‌ترین عناصر بلاغت، همچون تشبیه، استعاره، کنایه، تشخیص و... الهام گرفته است، اما عنصر تشبیه، پرکاربردترین عناصر بلاغت در خلق تصاویر هنری موجود در شعر اوست؛ زیرا شاعر در صدد برآمده تا واقعیت و حقیقت موجود در ایوان طاق بستان را از طریق تشبیه‌های مختلف، برای خوانندگان آن، ملموس و نزدیک به واقع نشان دهد؛ و همین استفاده بیشتر از عنصر تشبیه سبب شده تا میزان (ن ف ص) در قصیده وی پایین بیاید و از ادبیت کمتری نسبت به قصیده بحتری برخوردار باشد.

### ۲-۳-۱-۲. ویژگی‌های مرتبط با مضمون و محتوا در معادله بوزیمان که به دو مقوله عمر و جنس بومی گردد

نسبت فعل به صفت (ن ف ص) با مراحل عمر نیز ارتباط دارد. بدین معنا که این نسبت در سنین نوجوانی و جوانی افزایش می‌یابد؛ ولی در سنین کهولت و کهن سالی کاهش می‌یابد (مصلوح، ۱۹۹۲: ۸۰). هرچه که زمان سرودن اثر به جوانی و نوجوانی نزدیک‌تر باشد، میزان (ن ف ص) بیش‌تر است و طبیعتاً درجه ادبیت اثر نیز بیشتر می‌شود. تأملی اندک در زمان سرایش این دو قصیده نشان می‌دهد که هم بحتری و هم الارّجانی قصاید خود را در دوران کهن سالی سروده‌اند و اگر آن‌ها را در دوران جوانی و یا نوجوانی می‌سرودند، شاید نسبت فعل به صفت در قصاید آنان بیش از این مقدار می‌شد و سبک آنان از ادبیت بیشتری برخوردار می‌گردید. به هر حال، این مقدار نسبت (ن ف ص)، آن‌هم در کهن سالی، غالباً نشان از

توانایی شعری آنان در سرودن شعر داشته است.

از دیگر شاخص‌هایی که در معادله بوزیمان به محتوی و مضمون مرتبط است، عامل جنسیت است. این ویژگی برای تفکیک سبک زنان از مردان به کار می‌رود. (ن ف ص) نزد زنان بالاتر از مردان است و این به دلیل احساسات و انفعالاتی است که به طور معمول در زنان بیشتر از مردان است؛ زیرا مردان نسبت به زنان از عاطفه کمتری برخوردارند و بیشتر تمایل دارند که به سوی منطق و عقلانیت گرایش داشته باشند (العرجا، ۲۰۰۸: ۱۲؛ به نقل از صدقی و روستایی، ۱۳۹۴: ۱۴۳). البته، موضوع جنسیت، دخالتی در میزان (ن ف ص) در سبک شعر بحتری و ارّجانی ندارد؛ زیرا سبک دو شاعر سبکی مردانه است.

### ۳. نتیجه‌گیری

براساس معادله بوزیمان، سبک هر دو قصیده سینه بحتری در وصف ایوان مدائن و شب‌دیز ارّجانی در وصف ایوان طاق‌بستان، سبک ادبی است نه علمی.

نقد و تحلیل کمی و آماری هر دو قصیده بحتری و ارّجانی نشان داد که میزان (ن ف ص) در متن قصیده بحتری بالاتر است؛ لذا براساس معادله بوزیمان، سبک بحتری ادبی‌تر از سبک ارّجانی است. از مهم‌ترین عناصری که سبب بالارفتن (ن ف ص) در دو قصیده شده، می‌توان به عواملی ساختاری مانند، زبان شعر، نوع گفتار، استعمال افعال، استفاده از صور خیال و تصاویر هنری، دخیل بودن عواطف و احساسات، ارتجالی سروده شدن قصاید و... اشاره کرد؛ اما در زمینه عوامل محتوایی که شامل عمر و جنس می‌شد، فقط عامل عمر در (ن ف ص) تأثیرگذار است و عامل جنس در افزایش (ن ف ص) تأثیر نداشته است؛ زیرا سبک هر دو نویسنده مردانه و شبیه هم است.

با وجود تشابهات سبکی فراوان، سبک بحتری از سبک ارّجانی ادبی‌تر است و دلیل آن هم بیشتر به نگاه عقلی، حکیمانه و عبرت‌آموز ارّجانی در وصف ایوان طاق‌بستان برمی‌گردد. استفاده فراوان از عنصر تشبیه نیز از دیگر عوامل کاهش (ن ف ص) در قصیده ارّجانی است که سبک او را به سمت تعلیمی بودن و عبرت‌آموزی سوق داده است.

قابل تأمل است که بحتری و ارّجانی قصاید خود را در اواخر عمر خود سروده‌اند و این مقدار (ن ف ص)، آن هم در اواخر عمر و کهن سالی، غالباً نشان از توانایی شعری و براعت آنان در سرودن شعر داشته است.

### ۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) ابوعباده ولید بن عبید طائی، معروف به «بحتری»، در سال ۲۰۵ ه. ق. در روستای «منبج» میان حلب و فرات زاده شد و در

آنجا پرورش یافت و در همان‌جا درس خواندن را آغاز کرد (الفخوری، ۱۳۶۳: ۳۶۷). بحتری تا پایان عمر همچنان به زادگاهش دل‌بسته بود و در شعر خود فراوان از آن یاد کرده است (همان: ۳۶۷). وی، نخستین آثار شعری‌اش را وقف ستایش قبیله خود کرد. سپس به عراق رفت و به مدح بزرگان و سرشناسان و خلفای عباسی از جمله متوکل پرداخت. بحتری دوره ده تن از خلفای عباسی را درک کرده و در مدح بزرگان بغداد قصاید فراوانی سروده است. او عاقبت به شام بازگشت و در سال ۲۸۴ ه. ق. در زادگاه خود «منبج» بر اثر سگته درگذشت (انوار، ۱۳۸۳: ۱۱).

(۲) قاضی ارجانی، در تاریخ ۴۶۰ هجری در ارغان فارس که عرب‌ها آن را ارجان می‌خوانند، متولد گردید (ر.ک: ابن خلکان، ۱۹۴۹، ج ۱: ۱۵۲). از ابتدای تحصیل وی چیزی در دست نیست. محل تحصیل او را در اصفهان «مدرسه نظامیه» ذکر نموده‌اند (الارجانی، ۱۹۷۹، ج ۱: ۱۲). برخی صاحب‌نظران با استناد به یک تک‌بیت شعر که قاضی برای علی بن نصر سالمی مستوفی سروده و در آن صریحاً به نسب عربی خود مباحث می‌کند، او را عربی‌الأصل و از بازماندگان انصار خوانده‌اند:

وتصمناً عربیة کزمت      أعرافها ففروغها ثمق

(الحنفاجی، ۱۹۶۷، ج ۲: ۴۴۶)

(ترجمه: و دارای نسب و عربیتی که ریشه‌های آن شریف و بزرگوار و شاخه‌های آن بلند و مرتفع است.)

برخی دیگر نیز او را از نژاد فارس می‌دانند. صفدی می‌گوید: «خطیب دمشقی به‌غایت ارجانی را بزرگ می‌داشت و او را از مفاخر عجم می‌دانست» (صفدی، ۲۰۰۰، ج ۳: ۲۰۰).

یاقوت حموی (۱۹۵۵، ج ۱: ۱۴۴) نیز در «معجم البلدان» معتقد است که وی در سال (۴۶۰) در ارجان متولد شد. ابن الدیامی در «تاریخ بغداد» (بی‌تا، ج ۲: ۲۲) و سبکی (۱۹۶۴، ج ۶: ۵۳) در «طبقات الشافعیة» نظر یاقوت حموی را تأیید نموده‌اند. برخی او را برترین عربی‌سرای ایرانی دانسته‌اند. اشعار وی تجلی‌بخش غالب مباحث علم بیان و سخت مورد توجه بلاغت‌شناسان بوده است. شمار زیادی از شواهد امثال کتب بلاغت و نیز کتب نحوی رایج از اشعار اوست. اهالی شعر و ادب در سده‌های پیشین اقبال فراوان به اشعار وی داشته‌اند و امروزه نیز در دانشگاه‌های ممالک عربی بیشتر شناخته شده است؛ ولی مجامع علمی و ادبی ایران، کمتر این چهره برجسته شعر و ادب را می‌شناسند. وی، ۸۴ سال زیست و سرانجام در شوشتر یا عسکر مکرّم دیده از جهان فروست (قنوات، ۱۳۷۸: ۲۹۸).

(۳) شاهان ساسانی، زمستان را در طاق کسری یا ایوان مدائن در شهر تیسفون سپری می‌کردند و تابستان را در طاق‌بستان قرمیسین (کرمانشاه کنونی).

(۴) در تطبیق قصاید، تنها ۵۶ بیت نخست از قصیده شبدیز ارجانی بررسی شده است؛ تا هر دو شاعر در شرایط کاملاً مساوی قرار گیرند؛ زیرا تعداد ابیات سینیة بحتری، تنها ۵۶ بیت است.

## منابع

- ابن الدیامی، انتقاء (بی‌تا). *المستفاد من ذیل تاریخ بغداد لابن النجار*. محفوظ بدار الکتب المصریة تحت رقم ۲۹۶.  
ابن خلکان، أحمد بن محمد (۱۹۴۹). *وفیات الأعیان وأنباء أبناء الزمان*. تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار صادر.  
الارجانی، أحمد بن محمد (۱۹۷۹). *دیوان الأرجانی*. تحقیق: محمد قاسم مصطفی. بغداد: وزارة الثقافة.  
الأمینی، الشیخ عبد الحسین أحمد النجفی (۱۹۷۷). *الغدير فی الكتاب والسنة والأدب*. المجلد ۲. الطبعة الرابعة. بیروت: دار الكتاب العربی.

انوار، سید امیر محمود (۱۳۸۳). *ایوان مدائن از دیدگاه دو شاعر نامی تازی و پارسی بختری و خاقانی*. تهران: دانشگاه تهران.

البحتری، ابوعبادة و لید بن عبید (بی تا)، *دیوان البحتری*. تحقیق و شرح و تعلیق حسن کامل الصیرافی (چهار مجلد)، بیروت: دار المعارف.

حموی، یاقوت (۱۹۵۵). *معجم البلدان*. بیروت: دار صادر.

الخفاجی، الشهاب (۱۹۶۷). *ریحانة الألبا و زهرة الحياة الدنيا*. تحقیق: عبدالفتاح محمد الحلو. مطبعة عیسی البابی الحلبي.  
روستایی، حسین؛ صدقی حامد (۲۰۱۶). *دراسة أسلوبية لمذائح المتنبي وابن هانئ الأندلسی فی ضوء معادلة بوزیمان*. *مجلة علمی اللغة العربية وآدابها*، ۱۱ (۴)، ۵۹۷-۶۱۳.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۴). *نقد ادبی*. جلد ۲. تهران: امیر کبیر.

السبکی، تاج الدین عبدالوهاب (۱۹۶۴). *طبقات الشافعية الكبرى*. تحقیق: عبدالفتاح محمد الحلو وزمیله، مطبعة عیسی البابی الحلبي.

الشایب، أحمد (۱۹۷۶). *الأسلوب*. الطبعة السابعة. مصر: مكتبة النهضة المصرية.

صدقی، حامد؛ روستایی، حسین (۱۳۹۴). *قیاس أسلوب الشعر في أمطه الثلاثة: العمودي والشعر الحر و قصيدة النثر، على أساس معادلة بوزیمان*. *مجلة الجمعية الإيرانية للغة العربية وآدابها*، ۱۱ (۳۴)، ۱-۱۸.

صدقی، حامد؛ فلاحتی، صغری؛ اشرف، اسماعیل؛ عیدی، زمان (۱۳۹۶). *تحلیل سبک شناسی آماري بخشى از «رسالة الغفران» معرّی و رسالة «التوابع و الزوابع» ابن شهيد براساس معادلة بوزیمان*. *فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)*، ۹ (۲۲)، ۱۲۷-۱۴۶.

صدقی، حامد؛ پرنوش، اشرف؛ روستایی، حسین (۱۳۹۸). *رثاء الإمام الحسين في أشعار الصنوبري والشريف الرضي دراسة أسلوبية إحصائية*. *بحوث في اللغة العربية: نصف سنوية علمية محكمة لكلية اللغات الأجنبية بجامعة إصفهان*، (۱۲)، ۱-۱۴.

الصفدي، صلاح الدين (۲۰۰۰). *الوافي بالوفيات*. التحقيق: أحمد الأرنؤوط و تركي مصطفى. بيروت: دار إحياء التراث.

العرجا، جهاد يوسف (۲۰۰۸). *الأسلوب بين الرجل والمرأة دراسة لغوية إحصائية*. *نشرية اللغة والأدب*، (۲۳)، ۱-۲۴.

الفاخوري، حنا (۱۳۶۳). *تاريخ ادبيات زبان عربي*. ترجمة عبدالمحمد آيتي، تهران: توس.

قنوت، عبدالرحيم (۱۳۷۸). *قاضي ناصح الدين ارجاني، مجله مطالعات اسلامي، (۴۵ و ۴۶)، ۲۸۷-۲۹۸*.

مصلوح، سعد (۱۹۹۲). *الأسلوب: دراسة لغوية إحصائية*. الطبعة الثانية، القاهرة: عالم الكتب.

مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۶). *مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی*. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۱ (۱)، ۱۹۹-۲۳۰.

ناعمی، زهره؛ ترابی حور، لیلا (۱۳۹۸). *بررسی ادبیّت سبک مجموعه شعری «رستاخیز» سیمین بهبهانی و «قالت لی*

*السّمراء» نزار قباني براساس معادلة بوزیمان*. *کاووش نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربي - فارسی)*، ۹

(۶۳)، ۱۲۳-۱۴۳.

## References

- Al-Amini, A. H. A. N. (1977). *Al-Ghadeer in the Book, Sunnah and Literature*. Volume 2. 4th Edition. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi (In Arabic).
- Al-Arja, J. Y. (2008). Style between man and woman, a statistical linguistic study. *Publication of language and literature*. (23), 1-24 (In Arabic).
- Al-Arjani, A. M. (1979). *Diwan Al-Arjani, investigation: Muhammad Qasim Mustafa*. Baghdad: Ministry of Culture (In Arabic).
- Al-Buhturi, A. U. W. O. (no date). *Diwan Al-Buhturi, Edited, Explanation and Commentary by Hassan Kamel Al-Sirafi (Volume Chahar)*. Beirut: Dar Al-Maarif (In Arabic).
- Al-Fakhouri, H. (1984). *Arabic literature history*. translated by Abd al-Muhammad Ayati, Tous publications (In Arabic).
- Al-Khafaji, Sh. (1967). *Rayhanat Al'alba Wazahrat Alhuyat Aldinya*. Investigated by: Abdel-Fattah Muhammad Al-Helou. Issa Al-Babi Al-Halabi Press (In Arabic).
- Al-Sabki, T. A. W. (1964). *Tabaqat Al-Shafi'i Al-Kubra*. Edited by: Abdel-Fattah Muhammad Al-Helou and his colleague. Issa Al-Babi Al-Halabi Press (In Arabic).
- Al-Safadi, S. D. (2000). *alwafi belwafyat*. Investigated by: Ahmad Al-Arnaout and Turki Mustafa, Beirut: dar 'iihya' altarathi (In Arabic).
- Al-Shayeb, A. (1976). *Al'ushlub*. 7th edition. Egypt: The Egyptian Renaissance Library.
- Antosch, F. (1969). The Diagnosis of Literary Style with the Verb-adjective Ratio. *Statistics and Stylistics*. L. dolezel & R. W. Bailty (eds). New York. 40-59 (In English).
- Anwar, S. A. M. (2004). *Ivan Madain according to two famous Arabic and Persian poets Bahtari and Khaghani*. Tehran: University of Tehran Press (In Persian).
- Ephrem Al-Bustany, F. (2007). *Al-Majani Al-Hadith*. Volume 3. Chap3. Publications of Dhul Qirbi (In Arabic).
- Hamawi, Y. (1955) *glossary of countries*. Beirut: Dar Sader (In Arabic).
- Ibn al-Diamiti, E. (no date). *learned from the history of Baghdad by Ibn al-Najjar*. preserved in the Egyptian Book House under No. 296 (In Arabic).
- Ibn Khalkan, A. I. M. (1949). *Wafayat Al'aeyan Wa'anba' 'Abna' Alzamani*. Investigated by: Ihsan Abbas, Beirut: Dar Sader (In Arabic).
- Mahdavi Kani, M. S. (2007). The concept of lifestyle and its scope in social sciences. *Cultural Research Quarterly*. First Year. (1), 199-230 (In Persian).
- Maslouh, S. (1992). *Style: a statistical Linguistic Study*. 2nd Edition. Cairo: Alam Al-Kutub (In Arabic).
- Naemi, Z. & Leila, T. H. (2020). A Study of the Literary Style of Simin Behbahani's Poetry Collection and Nizar Ghobani's Qalt Li Al-Samra Based on Buziman's Equation. *Journal of Comparative Literature (Comparative Arabic-Persian Studies)*, 9 (63), 143-123 (In Persian).
- Qanawat, A. R. (2000). Judge Nasehuddin Arjani. *Journal of Islamic Studies*, (45 & 46), 287-298 (In Arabic).
- Rostaee, H. & Sidqi, H. (2016), A Stylistic Study of the praises of Al-Mutanabi and Ibn Hani Al-Andalusi in the light of the Bozeman equation. *Journal of the Science of Arabic Language and Literature*, 11 (4), 597-613 (In Persian).

- Sidqi, H. & colleagues. (2016). Statistical stylistic analysis of a part of Ibn Shahid's treatise "Al-Ghofran Ma'ari and his treatise" Al-Tawabi wa Al-Zawai ', based on Buziman's equation. *Al-Zahra University Linguistics Quarterly*, Ninth Year, (22), 127-146 (In Persian).
- Sidqi, H. & Hossein, R. (2015). Measuring the Style of Poetry in its Three Styles: Vertical, Free Poetry, and Prose Poetry, on the Basis of Bozeman's Equation, *Journal of the Iranian Society of Arabic Language and Literature*, 11 (34), Tabestan, 1-18 (In Arabic).
- Sidqi, H., Ashraf, B. & Hossein, R. (2020). Lamenting Imam Hussain in the Poetry of Al-Sanawbari and Al-Sharif Al-Radi, a Statistical Stylistic Study, *research in the Arabic language: a semi-annual scientific review of the College of Foreign Languages at the University of Isfahan*, (12), 1-14 (In Arabic).
- Zarin Kub, A. H. (1975). *Literary Criticism*. Volume 2. Tehran: Amir Kabir (In Persian).

